

تحلیل سیدمحمد مرندی درباره نامه فعالان ملی، مذهبی و تبلیغ مدل کره شمالی

توصیه کرباسچی ودوستان به ساخت بمب اتم



عضو هیات علمی دانشگاه تهران در رابطه با تشابه ظاهری این نامه با نامه جام زهر نیز گفت: «این نامه نمی‌تواند مثل نامه‌جام‌هر باشد. همان‌طور که ذکر شد، این افراد عناصر موثری در جامعه ایران نیستند و بعضا حتی در خود آمریکا زندگی می‌کنند و به بیان دقیق‌تر در حاشیه‌سیاست‌تعریف‌می‌شوند. آنها علاقه‌مندند که در آمریکا از جایگاه خوبی برخوردار باشند و نزد حاکمیت آمریکا خوشنام باقی‌مانند.»

مرندی در ادامه خاطرنشان کرد: «اگر چهره‌هایی شاخص و صاحب‌نظر این نامه را امضا کرده و چنین مطالبه‌ای را در داخل مطرح می‌کردند، اقدام آنها حامل پیام خطرناکی بود؛ چون آمریکایی‌ها آن را به‌عنوان موفقیت ترامپ تفسیر می‌کردند. در واقع نتیجه‌گیری آمریکایی‌ها این بود که فشارها را ادامه دهیم و تشدید کنیم که این صداها در جامعه ایران بلندتر شوند.»

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌رغم بی‌اعتمادی به آمریکا با این کشور هم‌بازها مذاکره کرده و در سال‌های اخیر نیز برجام را امضا کرد، گفت: «برجام جوانان این جریان برای «اصلاح اصلاحات» به رئیس دولت اصلاحات دست‌به‌قلب شدند؛ نامه‌ای سرگشاده که به دلیل تعداد امضاهایش به نامه صدنفره موسوم شد. نامه‌ای که برخی از اصلاح‌طلبان گوش شنوایی برایش نمی‌بینند. این صد نفر که خاتمی را خطاب مستقیم قرار داده بودند، یا تاکید بر اینکه امور تصمیم‌گیری به دست اصلاح‌طلبان بروکرات و محافظه‌کار افتاده است، هشدار داده‌اند که در حال حاضر هیچ چهره شاخص ملی ۴۰ یا ۵۰ ساله‌ای سراغ نداریم که بتوان فرد او را بر جماعتی ترجیح داد و به عملکرد ضعیف لیست امید مجلس و ناهماهنگی‌های انتخاب شهردار در شورای یک‌دست اصلاح‌طلب تهران اشاره داشتند. نویسندگان این نامه اوضاع در خانواده اصلاحات را چنان ناسامان توصیف کردند که معتقدند در حال حاضر انتشار اخباری مبنی بر برنامه‌ریزی برخی افراد برای آینده سیاسی خود و انتخابات آتی، حس ناخوشایند سوءاستفاده از موقعیت سیاسی را در میان هواداران جریان اصلاحات دامن می‌زند. تا آنجا که ابایی نداشتند به خاتمی یادآور شوند معلوم نیست همواره بتوانند از سرمایه اجتماعی‌اش استفاده کنند.

هشدار این صد نفر اما تا‌زگی ندارد. پیش‌تر نیز عدم پاسخگویی در مقابل عملکرد لیست‌هایی که توسط رئیس دولت اصلاحات در انتخابات تکرار شد، به عنوان مختلف از زبان هم‌جریانی‌هایش هشدار داده شده است، تا آنجا که صادق زیباکلام تصریح کرد: «در انتخابات آتی دو بار که سهل است خاتمی ۲۰ بار هم تکرار کند، نتیجه‌ای نخواهد داشت. تکرار بی‌نتیجه اما مسبوق به سابقه است؛ آن‌هم در روزهای پایانی دولت اصلاحات و بعد از هشت سال یک‌تازی در عرصه قدرت! در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، اگرچه سیدمحمد خاتمی، نام مصطفی معین را تکرار کرد، اما تکرار حتی در راس خانواده اصلاحات نیز با اقبال مواجه نشد و اعتماد گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب را هم نتوانست جلب کند. از این رو اصلاحات تا آخرین لحظه با کاندیداهایی متعدد

که هر کدام مدعی پرچمدار اصلاح‌طلبان واقعی بودند، ظاهر شد؛ اتفاقی که زنگ خطرش در انتخابات سال گذشته شورای شهر نیز شنیده شد و عده‌ای از ضرورت لیست‌های متعدد در مقابل تصمیم تکراری خاتمی، دم می‌زدند....

چرا آقای خاتمی مخاطب این نامه قرار گرفتند؟ آقای خاتمی خطاب این نامه قرار گرفته، چون بخش بزرگی از جامعه رای جریان اصلاح‌طلب با حرف آقای خاتمی به فرد یا

هسته‌ای، ما از این تجربه چشم‌پوشی کرده و باز هم به این مسیر ادامه‌دهیم و عملاً از حقوق خود در حوزه‌های دیگر نیز صرف‌نظر کنیم.»

به گفته مرندی، امضاکنندگان این نامه باید پاسخ دهند که چطور می‌توان با آمریکایی‌ها که تا الان به تعهدات خود پایبند نبودند مذاکره کرده و به آنها اعتماد داشت و از این به بعد باید از چه حقی صرف‌نظر کنیم؟

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه این اقدام عملاً تلاشی بود برای چراغ سبز نشان دادن به آمریکایی‌ها جهت تشدید فشارها بر ایران تا صدای مطالبه مذاکره مستقیم با آمریکا در جامعه بلند شود، گفت: «پشت حرف اینها دانسته یا نادانسته خود آمریکایی‌ها هستند. آمریکایی‌ها مایلند این گزاره میان جامعه ایران تقویت شود تا در میان اقشار مختلف مردم و میان مردم و سیاستمداران شکاف ایجاد کنند و فشارهای این کشور بر ایران تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد.»

وی درباره تشابه این اقدام و نامه چندی پیش ۵۰ ایرانی ساکن آمریکا به ترامپ برای تشدید تحریم‌های علیه ایران بار دیگر تاکید کرد: «علی‌القاعده پشت پرده این نامه خود آمریکایی‌ها هستند. به جای آنکه این افراد خطاب به دولت آمریکا نامه بنویسند و به رفتار خصمانه این کشور اعتراض کرده و آن را محکوم کنند، از کشوری که به‌رغم بدبینی موجه، مذاکره کرده و به تعهدات خود پایبند بوده

و با هدف ایجاد صلح و ثبات و کاهش تنش در منطقه از بخشی از حقوق خود صرف‌نظر کرده، خواسته‌اند که امتیازات بیشتری را به طرفی که پایبند نبوده بدهد. با این کار آنها ترامپ و آمریکا را به عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود در آینده تشویق می‌کنند.»

عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به آنکه امضاکنندگان این نامه معتقدند در صورتی که آمریکا ضمانت بدهد که دیگر بدعهدی نکند، ایران می‌تواند با ترامپ پای میز مذاکره بنشیند، گفت: «آمریکایی‌ها نیتها امروز بلکه از سال‌های گذشته، به تضمین‌هایی که خودشان در معاهدات بین‌المللی و در قبال خیلی از کشورها داده‌اند پایبند نبوده‌اند و مثال روشن آن هم برجام است. نه در دولت اوباما و نه در دولت ترامپ آمریکا به تعهدات خود در برجام ذره‌ای اعتنا نکرده است. آمریکا در تضمین‌های خود نسبت به دیگر تعهدات بین‌المللی هم وفا و تعهدی ندارد، لذا باید اذعان داشت افرادی که چنین نامه‌ای را امضا می‌کنند، واجد کمترین و حداقلی‌ترین شناخت از فضای واقعی جهان و عرصه مسائل بین‌المللی هم نیستند. اینها به جای نوشتن نامه به مسئولان ایرانی باید به مسئولان آمریکایی می‌گفتند تا زمانی که آمریکا به‌طور کامل به تعهدات خود در برجام پایبند نباشد، مذاکرات بی‌مفهوم است.»

مرندی در ارزیابی توصیه نگارندگان نامه به الگوگیری ایران از کره شمالی جهت گفت‌وگوی مستقیم با ایالات متحده نیز خاطرنشان کرد: «ما اگر بخواهیم این مساله را مورد توجه قرار دهیم، باید ابتدا شرایطی را که کره شمالی در بستر آن وارد مذاکره مستقیم با آمریکا شد بررسی کنیم. کره شمالی در شرایطی وارد گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا شد که هم موشک‌های قاره‌پیما داشت و هم به فناوری تولید کلاهک هسته‌ای و بمب اتم رسیده و سلاح اتمی ساخته بود.»

وی افزود: «این را هم باید گفت که ما نمی‌دانیم نتیجه مذاکرات آمریکا با کره شمالی به کجا می‌رسد. ضمن آنکه کره شمالی در این مذاکرات هیچ تعهد جدید و ویژه‌ای در مورد تسلیحات هسته‌ای خود نداده است.»

این کارشناس مسائل بین‌المللی در پایان تصریح کرد: «اگر طبق نظر امضاکنندگان این نامه بنابر الگو قرار دادن کره شمالی باشد، ما ابتدا باید موشک‌های قاره‌پیما و بعد کلاهک‌های هسته‌ای بسازیم و وقتی به این سطح از توان رسیدیم، برویم و با آمریکا گفت‌وگو کنیم، لذا نتیجه نامتغییری این افراد توصیه به تولید بمب اتم و موشک‌های حامل آن است.»



لیست مشخصی رای داده‌اند؛ البته حالا این مردم مطالبه‌گر شده‌اند، ولی متأسفانه فردی را برای پاسخگویی پیدا نمی‌کنند، لذا سوال اینجاست چه کسی باید پاسخگو باشد؟

چرا آقای خاتمی پاسخگو نیستند؟ یعنی روال به نحوی نیست که ایشان پاسخگو باشند؟ این موضوع را باید از آقای خاتمی و اطرافیان ایشان سوال کرد و پاسخگو باشند. در هر صورت جریان اصلاحات یک جریان پویا و قدردنیز است و همیشه تلاش کرده با مسائل جامعه واقع‌بینانه برخورد کند و اینها نقاط قوت است. اما خطر امروز این است که مناسبات پشت پرده و مناسبات مخفلی که در نامه با عبارت محترمانه بوروکراسی به کار برده شده است، در جریان اصلاحات حاکم شود و این جریان را از نشاط و پویایی ببنداد، لذا بنده معتقدم امروز این جریان باید تلاش کند تا در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شفاف باشد. باید اصل پاسخگویی را ضمن حضور در جریان اصلاحات رعایت کرد و کسانی که از قبل این جریان دارای منصب و موقعیتی هستند، باید جوابگوی این امانتی که در اختیار آنها قرار گرفته است، باشند. باید ارتباط تشکیلاتی این افراد با جریان اصلاحات ترمیم شود.

اشکال بزرگی که امروز به جریان اصلاحات وارد است این است که این جریان در هر فرآیندی مرحله قبل و حین آن فرآیند را به خوب اجرایی می‌کند. افراد این جریان



عیسی کلانتری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط‌زیست در گفت‌وگو با روزنامه «ایران» به مباحث مربوط به آب پرداخته و از پیشینیان خود از جمله معصومه ابتکار انتقاد کرده است. او در این باره ابتدا با اعتراف به اینکه در دورانی که در وزارت جهاد کشاورزی بوده اشتباهات زیادی داشته، اظهار می‌کند: «یکی از مشکلات محیط‌زیستی ما به دلیل این بود که وقتی بنده مثلاً وزیر کشاورزی بودم، سازمان محیط‌زیست هیچ وقت نیامد در مقابل من قرار بگیرد که آب مصرف نکنم. وظیفه سازمان محیط‌زیست است که بخواهد محیط‌زیست کشور، زنده بماند. اول باید از آبش پاسداری کند. ما الان همه آب‌ها را مصرف کردیم.»

جنس ما به FATF نمی‌خورد



محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس درخصوص ماجرای FATF و ایجاد یک فرصت دوماهه برای بررسی آن در مجلس گفته است در سال‌های گذشته غربی‌ها اقدامات مهمی را علیه ایران ساماندهی کرده‌اند و حالا مساله FATF هم می‌تواند فرصت جدیدی برای فشار به ایران فراهم کند، از این رو نباید با دست خودمان چنین فرصتی را به غریب بدهیم. پورابراهیمی همچنین به «فارس» گفته که FATF و کنوانسیون‌ها و مقررات ذیل آن تعریف‌هایی را از ماجرای تروریسم در خود جای داده که اصولاً این تعریف‌ها با جنس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همخوان نیست.

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

درخصوص ماجرای FATF و ایجاد یک فرصت دوماهه برای بررسی آن

در مجلس گفته است در سال‌های گذشته غربی‌ها اقدامات مهمی

را علیه ایران ساماندهی کرده‌اند و حالا مساله FATF هم می‌تواند

فرصت جدیدی برای فشار به ایران فراهم کند، از این رو نباید با دست

خودمان چنین فرصتی را به غریب بدهیم. پورابراهیمی همچنین به

«فارس» گفته که FATF و کنوانسیون‌ها و مقررات ذیل آن تعریف‌هایی

را از ماجرای تروریسم در خود جای داده که اصولاً این تعریف‌ها با

جنس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همخوان نیست.

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

درخصوص ماجرای FATF و ایجاد یک فرصت دوماهه برای بررسی آن

در مجلس گفته است در سال‌های گذشته غربی‌ها اقدامات مهمی

را علیه ایران ساماندهی کرده‌اند و حالا مساله FATF هم می‌تواند

فرصت جدیدی برای فشار به ایران فراهم کند، از این رو نباید با دست

خودمان چنین فرصتی را به غریب بدهیم. پورابراهیمی همچنین به

«فارس» گفته که FATF و کنوانسیون‌ها و مقررات ذیل آن تعریف‌هایی

را از ماجرای تروریسم در خود جای داده که اصولاً این تعریف‌ها با

جنس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همخوان نیست.

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

درخصوص ماجرای FATF و ایجاد یک فرصت دوماهه برای بررسی آن

در مجلس گفته است در سال‌های گذشته غربی‌ها اقدامات مهمی

را علیه ایران ساماندهی کرده‌اند و حالا مساله FATF هم می‌تواند

فرصت جدیدی برای فشار به ایران فراهم کند، از این رو نباید با دست

خودمان چنین فرصتی را به غریب بدهیم. پورابراهیمی همچنین به

«فارس» گفته که FATF و کنوانسیون‌ها و مقررات ذیل آن تعریف‌هایی

را از ماجرای تروریسم در خود جای داده که اصولاً این تعریف‌ها با

جنس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همخوان نیست.

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

درخصوص ماجرای FATF و ایجاد یک فرصت دوماهه برای بررسی آن

در مجلس گفته است در سال‌های گذشته غربی‌ها اقدامات مهمی

را علیه ایران ساماندهی کرده‌اند و حالا مساله FATF هم می‌تواند

فرصت جدیدی برای فشار به ایران فراهم کند، از این رو نباید با دست

خودمان چنین فرصتی را به غریب بدهیم. پورابراهیمی همچنین به

«فارس» گفته که FATF و کنوانسیون‌ها و مقررات ذیل آن تعریف‌هایی

را از ماجرای تروریسم در خود جای داده که اصولاً این تعریف‌ها با

جنس انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی همخوان نیست.

درونگ

خاتمی یا عارف؟ مساله این است!

حائیه موحیدین روزنامه‌نگار

اگرچه آخرین روزهای بهار است و هوا تابستانی، ولی آسمان جریان اصلاحات بیشتر به پاییز و زمستان می‌ماند تا گرمای روزهای منتهی به تابستان. انتقادات به شورای عالی و سیاست‌های بالادستی اصلاح‌طلبان، صدای هم‌جریانی‌هایشان را درآورده، اگرچه این انتقادات برای امروز و دیروز نیست و قدمتش به بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ و اوجش به بعد از انتخابات مجلس دهم می‌رسد. اکثریت در جریان اصلاحات - که اغلب احزاب اصلاح‌طلبی که در شورای عالی سیاستگذاری و تصمیماتش طی این سال‌ها کمتر بازی داده شده‌اند را تشکیل می‌دهند - به عناوین مختلف تیغ نقدشان را به سمت این شورای شانه گرفته‌اند و معتقدند بازار لابی، منفعت‌طلبی و فردمحوری چنان در شورای عالی داغ شده که شعار دموکراسی را حتی در حلقه اولیه اصلاحات نیز کم‌رنگ کرده است. از این رو برخی همچون کواکبیان از طرحی به نام «پارلمان اصلاحات» به‌عنوان نهاد بالادستی شورای عالی سیاستگذاری نام می‌برند و برخی دیگر معتقدند شورای هماهنگی که به‌عنوان نهادی مادر برای شورای عالی محسوب می‌شود، باید به جایگاه اولیه خود بازگردد و نه تنها از حاشیه و انزوا خارج، که تقویت شود. از این رو بر نقش احزاب در تصمیم‌گیری‌های درون خانوادگی اصلاحات تاکید دارند.

وجه اشتراک این انتقادات و نسخه‌پیچی‌های اصلاح‌طلبانه اما تاکید بر «نهادمحوری» به جای «فردمحوری» است. در سیل انتقادات بیشتر عملکرد رئیس شورای عالی اصلاحات یعنی عارف نقش بسته است. طی سال‌های اخیر محمدرضا عارف و نحوه مدیریتش به عنوان مختلف مورد نقد و بی‌مهری اصلاح‌طلبان قرار گرفته است. از همان روزها که اصلاح‌طلبان اگرچه گذشت وی را بر زبان داشتند، ولی در نهایت به لقب «مسرد انصراف‌ها» برای عارف بسته کردند، تا امروز که عملکرد دواکسیون امید مجلس را راه ناهمواری برای انتخابات‌های بعدی می‌خوانند، تا کارآمدی «مدیریت عارفانه» همواره کلیدواژه پر تکرار اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود، تا آنجا که اگر آراء رسمی حزب کارگزاران به عناوین مختلف هشدار می‌دهد که این عملکرد ضعیف نه تنها جایگاه شخص عارف که کل اصلاحات را زمین خواهد زد.

کار به جایی رسیده که حتی امثال محمود صادقی، نماینده تهران نیز ابایی ندارند که تصریح کنند به رئیسی «پاشنه ورکشیده» نیاز دارند و عارف این گونه نیست. در این میان اما برخی معتقدند هدف «به در گفتن به امید شنیدن دیوار است» از این رو تاکید دارند که اگر



گزارش